

بررسی دلایل حمایت ایالات متحده از گروهک منافقین پس از ۲۰۰۳ مه‌ار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای راهبرد آشوب سازنده

علی اکبر نیرنجی

دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

مهدی عابدی^۱

گروه علوم سیاسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران

هادی همتیان

دکتری مدیریت دولتی، گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷

چکیده

این مقاله سعی دارد دلایل افزایش حمایت آمریکا از سازمان تروریستی منافقین (سازمان مجاهدین خلق) علیه جمهوری اسلامی ایران که هم اکنون وارد مرحله جدیدی شده را پس از تحولات سال ۲۰۰۳ میلادی و اشغال عراق توسط آمریکا بررسی نماید. این سازمان که یکی از جریان‌های انحرافی پدید آمده در سپهر سیاسی ایران در اواسط دهه چهل شمسی است، با مبانی فکری و سیاسی التقاطی به واسطه اقدامات و خط مشی خود به گروهک منافقین شهرت یافت. پس از سال ۲۰۰۳ میلادی با توجه به سقوط صدام (مهمترین حامی سازمان)، افزایش نفوذ ج.ا.ا در عراق و قرار داشتن همزمان نام سازمان در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا و اتحادیه اروپا بسیاری از کارشناسان فروپاشی سازمان را نزدیک می‌دانستند. اما اعضای این گروهک تروریستی توانستند به عنوان کارگزار ایالات متحده در پرتو راهبرد «آشوب سازنده» جهت مهار ج.ا.ا جلب حمایت‌های سیاسی، امنیتی، مالی و نظامی آمریکا به بقاء بخشی از ساختار فروپاشیده خود کمک رسانند. بر اساس فرضیه اصلی این پژوهش، ایالات متحده در چارچوب نظریه آشوب سازنده و مدیریت گروه‌های تروریستی به منظور مهار ج.ا.ا و تغییر رژیم آن از این سازمان تروریستی استفاده می‌نماید.

کلمات کلیدی: سازمان مجاهدین خلق ایران، آشوب سازنده، عراق، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، مه‌ار.

مقدمه

سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۴ تأسیس شد. از سال ۱۳۶۰، به فاز نظامی علیه ج.ا.ا وارد شدند و بیش از ۱۷ هزار نفر از مسئولان، روحانیان، پاسداران، مردم عادی و... را ترور کردند، اما در ادامه با عملکرد مفید نظام اسلامی مواجه شدند که با افزایش توان و تقویت نیروهای امنیتی داخلی طی چند سال توانست عملکرد این سازمان را در کنترل درآورد. سرانجام سازمان تصمیم گرفت از ایران خارج شود و پس از ورود مسعود رجوی رهبر منافقین به عراق در سال ۱۳۶۵ و دیدار با صدام به یکی از یگان‌های رزم رژیم بعث عراق تبدیل گردید. عملکرد منافقین علیه ج.ا.ا در این مقطع به حدی مورد رضایت دیکتاتور عراق قرار گرفت که هیچگونه محدودیتی در عراق شامل حال منافقین قرار نمی‌گرفت و روزانه سیل امکانات و تجهیزات و منابع مالی به سوی سازمان روانه بود. به جز قرارگاه اشرف که مقر اصلی استقرار سازمان گردید، در نقاط مختلف عراق از جمله در شهرهای بغداد، کربلا، تکریت و سامرا کاخ‌ها و خانه‌های مجلل بسیاری در اختیار منافقین قرار گرفت. همچنین در سراسر جدار مرزی عراق و ایران سازمان اقدام به احداث قرارگاه‌های متعدد تاکتیکی و عملیاتی نمود. روابط سازمان و صدام به قدری درهم تنیده بود که اکثر کارشناسان سقوط صدام را پایان کار منافقین می‌دانستند. اما پس از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳، سقوط بزرگ‌ترین حامی وقت منافقین به فروپاشی سازمان منجر نگردید. لابی‌های مختلف منافقین در اروپا و آمریکا به مزدوری منافقین در عراق برای آمریکایی‌ها و وجود دشمن مشترک سبب همگرایی و ارتقاء روابط اشغالگران و منافقین گردید. به نظر می‌رسد بیش از نیم قرن فعالیت مخفی و مسلحانه، منابع انسانی و مالی گسترده، ساختار و سازمان امنیتی پیچیده، بسته و فرقه‌گرایانه باعث قرارگرفتن منافقین در چتر حمایت ایالات متحده و نجات از بحران‌های پس از ۲۰۰۳ شده است و این سازمان تبدیل به بازیگر اصلی راهبرد ایالات متحده آمریکا در چهارچوب نظریه آشوب سازنده و مدیریت گروه‌های تروریستی، به منظور مهار جمهوری اسلامی ایران و تغییر نظام شده است. باتوجه به پیشینه‌های موجود در خصوص سازمان منافقین که بیشتر به تشریح تاریخچه و گذشته سازمان می‌پردازند، پژوهش حاضر دارای نوآوری می‌باشد. در این مقاله همچنین اهدافی چون، تعیین نقاط آسیب‌پذیری ج.ا.ا در مقابل سازمان و ترسیم راهبرد موثر به منظور مهار سازمان نیز دنبال می‌گردد.

مفهوم شناسی

ترور و تروریسم

واژه ترور^۱ یک کلمه لاتین است و در کتاب‌های مرجع «ترس زیاد» معنی شده است، تعاریف متعددی درباره تروریسم، انواع آن، علل پیدایش و کاربرد آن وجود دارد. قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ترور و تروریسم اعم از تروریسم دولتی، به روش حکومت‌هایی اطلاق می‌شد که از راه ایجاد ترس و وحشت و حذف فیزیکی مخالفان خود می‌خواهند به اهداف سیاسی‌شان - که همان بقاء و دوام حکومت است - برسند، یا تروریسم غیردولتی که شامل افراد، سازمان‌ها، احزاب یا گروه‌های چریکی و شبه‌نظامی بودند که از راه ایجاد ترس و وحشت و حذف فیزیکی افراد برای نفی مشروعیت نظام حاکم تلاش می‌کردند. این مفاهیم به‌ویژه در بُعد ملی و منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت ولی

^۱. Terreur

امروزه تروریسم به عنوان یک عملکرد و شگرد خشونت‌آمیز سیاسی در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود (آقا بخشی، ۱۳۷۶)

راهبرد

راهبرد به طرح عملیاتی درازمدتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک هدف مشخصی طراحی شده باشد (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

آناشیسم^۱ / آناشیست^۲

هرج و مرج طلبی، هرج و مرج طلب؛ به عنوان نمونه در تشکیلات (در سال‌های ۵۹-۵۸) به گروهک «بیکار» آناشیست اطلاق می‌شد. سردمداران منافقین معتقد بودند که «بیکاری‌ها» با حرکت‌های هرج و مرج طلبانه خود زمینه فعالیت‌های تروریستی آنان را در آینده از بین می‌برند. در تحلیل تئوریک مارکسیستی که منافقین نیز آن را مثل وحی منزل پذیرفته بودند، آناشیسم از نظر طبقاتی، دارای ریشه خرده‌بورژوازی و از نظر سیاسی ارتجاعی است؛ زیرا در جهت تکامل جامعه نیست. آناشیست‌ها، در اصل، ضرورت وجود دولت را در هرگونه شرایط اجتماعی، نفی می‌کنند. (پیمان: ۱۳۹۷: ۱۰)

چارچوب نظری

جهت بررسی و تحلیل رفتار و عملکرد آمریکا در دهه‌های اخیر، نیازمند شناخت راهبردهای غالب سیاست خارجه این کشور می‌باشیم. ایران که پیش از انقلاب یکی از دو ستون سیاست خاورمیانه ای نیکسون بود به ناگاه پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا تبدیل به کابوس سیاست خارجه کارتر گردید و این کابوس هم اکنون در آستانه چهلمین سال می‌باشد. ایالات متحده در ابتدای قرن نوزدهم با دکترین مونروئه (۱۸۱۷-۱۸۲۵) مقابله با مداخله اروپائیان در نیمکره غربی و نفی مداخله در مناقشات اروپایی را در دستور کار خویش قرار داد. پس از آن در زمان تئودور روزولت بیست و ششمین رئیس جمهور آمریکا (۱۹۰۹-۱۹۰۱) با یک گام به پیش، بر حق مداخله ایالات متحده در نیمکره غربی با هدف حفاظت از منافع سیاسی و اقتصادی این کشور تأکید نمود. پس از آن در زمان ریاست جمهوری ترومن سی و سومین رئیس جمهور این کشور (۱۹۵۳-۱۹۴۵) به بهانه مقابله با کمونیسم دکترین «سد نفوذ» که نخستین نظریه مداخله جویانه آمریکا در جهان بود را اجراء نمود و نظام دوقطبی حاکم بر جهان را به مبارزه طلبید. با فروپاشی نظام شوروی، آمریکایی‌ها سرمست از شکست دشمن دیرینه به پایان تاریخ می‌اندیشیدند اما این سراب دیری نپایید. هرچند بوش پدر در نبود ارتش سرخ جسارت حمله مستقیم به عراق را پیدا کرد اما حوادث مشکوک ۱۱ سپتامبر بهترین بهانه برای شروع طرح‌های خاورمیانه ای آمریکا بود و این بار بوش پسر جهان را به دوقطب «با ما یا برما» تبدیل کرد. هرچند آمریکایی‌ها سرمست از اشغال سریع افغانستان و عراق لاف در غربت می‌زدند اما افول هژمونی آمریکا آغاز شده بود و منطقه غرب آسیا تبدیل به مرداب ارتش آمریکا گردید. پس از سیلی مقاومت اسلامی در منطقه به محوریت ج.ا.ا. و عقیم ماندن سیاست‌های اشغالگران، آمریکایی‌ها به قدرت انقلاب اسلامی پی بردند و پس از آن درصدد ارائه نظریات کاربردی و اصلاح شیوه‌های گذشته برآمدند که نظریه

¹ Anarchist

² Anarchism

برخورد تمدن‌های هانتینگتون و نظریه آشوب سازنده نورتون مهمترین آن می‌باشد. با توجه به سوابق گذشته در حال حاضر نظریه دوم در دستور عملیای ایلات متحده قرار دارد و این پژوهش نیز بر اساس این راهبرد می‌باشد.

نظریه برخورد تمدن‌ها

ساموئل هانتینگتون در تولید تنش‌های تمدنی میان اسلام و غرب بر پروژه مدرنیزاسیون غربی و ایجاد وضعیت خود - دیگری تأکید می‌نماید، هانتینگتون تلاش دارد که اتفاقات خونین تروریستی در روابط بین‌الملل را در حوزه تمدنی بررسی کرده و مقاومت‌های تمدنی در مقابل تمدن مدرن غرب را عامل ایجاد تروریسم بین‌الملل معرفی نماید. وی معتقد است، منافع غرب در منطقه غرب آسیا به اندازه‌ای گسترده و استراتژیک می‌باشد که تصور نمی‌کنند بدون سلطه کامل بر جهان اسلام و متوقف کردن روند بیداری اسلامی بتوانند به حیات سیاسی و اقتصادی خود ادامه دهند.

نظریه آشوب سازنده^۱

ادوارد نورتون لورنتس (۱۹۱۷-۲۰۰۸) ریاضیدان و هواشناس آمریکایی بود. او یکی از پیشگامان نظریه آشوب و مبدع عبارت اثر پروانه‌ای می‌باشد. وی عبارت اثر پروانه‌ای را اولین بار در سال ۱۹۷۲ و با مقاله‌ای با عنوان "آیا بال‌زدن پروانه‌ای در برزیل می‌تواند باعث ایجاد تندباد در تگزاس شود؟" مطرح کرد. بر اساس این نظریه، تغییری کوچک مانند بال‌زدن یک پروانه در یک سیستم آشوب‌ناک چون جو زمین، می‌تواند باعث تغییرات شدید و حتی وقوع توفان در مکانی دیگر در آینده شود.

نظریه آشوب سازنده اساساً یک دکترین نظامی ریاضی پایه، در وزارت دفاع آمریکا محسوب می‌شود که با یک سیستم هرج و مرج فیزیکی روبروست و آن ایجاد بی‌نظمی به واسطه عوامل غیرتصادفی در قالب نوسانات غیر قابل کنترل و در حال صعود است که در نهایت به سردرگمی شدید بومی - اجتماعی می‌انجامد عملیاتی شدن این نظریه به‌طور مستقیم دارای ظاهرسازی نظامی و سخت‌افزاری ناشی از رفتارهای کاملاً حساب شده و سیستماتیک است و علی‌رغم ایجاد آشوب، بی‌نظمی ایجاد شده را قابل پیش‌بینی، کنترل و هدایت می‌سازد. باید گفت نظریه «هرج و مرج سازنده» در عمل، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی را در بر می‌گیرد که احتمال نفوذ به آن و خارج ساختن سازمان نظم آن از مدار را به میزان زیادی امکان‌پذیر می‌سازد. «جیمز گلیک^۲» در کتاب «هرج و مرج: ساخت یک علم جدید»^۳ اذعان می‌کند «هرج و مرج سازنده» هم خوب و هم بد است. او استدلال می‌کند که زیربنای این نظریه بر اصول ریاضی بنا شده و به همین دلیل ممکن است در اقتصاد یا مدیریت کاربرد داشته باشد اما در میدان عمل واقعی اعم از صحنه نبرد و ساختارهای اجتماعی با اختلال روبرو خواهد شد (گلیک، ۲۰۱۱).

«آشوب سازنده» یا «هرج و مرج خلاق» راهبردی است که طی آن، آمریکا در کشورهایی که کارکردهای متضاد با

1 - Constructive chaos theory

2 - James Gleick

3 - Chaos: Making a New Science

اهداف و منافع آن دارند، ورود پیدا کرده و از طریق خلق آشوب سازنده که با ابزارهای گوناگون رسانه‌ای و به‌کارگیری بازیگران مختلف داخلی و خارجی همراه است، منافع و اهداف خود را به دست می‌آورد. بی‌تردید مهمترین دشمن آمریکا در منطقه غرب آسیا ج.ا.می باشد به نحوی که جورج بوش پسر پس از حمله به عراق، ایران را جزء محور شرارت نامید و سایر روسای جمهور این کشور نیز همواره درصدد تغییر رژیم و یا تغییر رفتار ایران بوده‌اند. با توجه به قدرت رو به افزایش جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر بویژه پیروزی در جنگ‌های نیابتی عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن در حال حاضر دست برتر با ج.ا.می باشد و «آشوب سازنده» یا «هرج و مرج خلاق» راهبردی است که می‌تواند جایگزین طرح درگیری مستقیم با ایران و نظریه «برخورد تمدن‌ها» که پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی را برای مهاجمین در پی دارد، می‌باشد. سازمان منافقین نیز یکی از برگه‌های مهم آمریکا در این رهیافت می‌باشد.

آشنایی با ساختار و اصطلاحات ویژه سازمان منافقین

ارتش آزادی‌بخش ملی ایران^۱

عنوان تشکیلات نظامی منافقین در عراق؛ که با کمک‌های مالی و تسلیحاتی دولت بعثی به وجود آمد. در بهار ۱۳۶۶ پس از چند جمع‌بندی، زمینه برای تدارک و اعلام تشکیل چنین ارگانی فراهم شد. در ۳۰ خرداد ۶۶، رجوی تشکیل ارتش آزادی‌بخش را اعلام نمود. رجوی در بخشی از اعلامیه خود نوشت: «ارتش آزادی‌بخش ملی قبل از هر چیز وظیفه دارد به‌منظور درهم شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام عمومی، با اهرم‌ها و دستگاه سرکوبگر و جنگ‌افروز دشمن، جنگ در چنگ شده و با نبرد تمام‌عیار آن‌ها را بشکافد و از هم بپاشد و به پیش برود...»

این تمهید رجوی و چاکرانش در تشکیلات منافقین نیز نه‌تنها مؤثر نبود بلکه بر بحران‌ها و ریزش‌های سازمان افزوده شد. مهم‌ترین حرکتی که به اتکای ارتش آزادی‌بخش انجام شد، عملیات موسوم به «فروغ جاویدان» بود که در جریان شکست «مرصاد» قریب سه هزار نفر معدوم، مجروح و بازداشت داشت و بار دیگر پروسه شکست سازمان را تسریع کرد. (پیمان: ۱۳۹۷: ۱۹)

آلترناتیو

بدیل، جانشین، جایگزین. در تشکیلات منافقین به سازمان، جبهه، حزب و اتحادیه‌ای که شانس بیشتری برای براندازی حکومت و به دست گرفتن قدرت داشته باشد، نیروی آلترناتیو گفته می‌شود. منافقین، پس از فرار بنی‌صدر و رجوی از ایران، تلاش نمودند تا با تأسیس «شورای ملی مقاومت» آن را «تنها آلترناتیو» نظام جمهوری اسلامی معرفی کنند. سازمان در واقع این شورا را زمینه‌ای برای سلطه سیاسی خود بر دیگر گروه‌های اپوزیسیون غیرقانونی قرار داده بود؛ که در حقیقت می‌توان این شورا را پوشش سیاسی سازمان منافقین دانست. در سازمان از کلمه آلترناتیو به‌نوعی برای نام خود سازمان هم استفاده می‌شد. به‌طوری‌که در اکثر اطلاعیه‌ها نوشتند "تنها آلترناتیو مردمی" یعنی سازمان. (پیمان، ۱۳۹۷: ۹)

¹ National liberation army of Iran

استراتژی^۱ / استراتژیک^۲

به لحاظ کلاسیک، استراتژی عبارت از تعیین جهت اصلی مبارزه، تعیین ترکیب و مشخصات نیروها در مرحله‌ای معین، تدوین نقشه‌ها و طرح‌های ضروری برای استفاده از ذخایر مستقیم و غیرمستقیم سایر نیروها و مانند آن است. در تشکیلات، همان خطّ مشی مبارزاتی برای رسیدن به هدف سیاسی - نظامی خاص تلقی می‌شد. به عبارتی دیگر اصول مربوط به خطّ مشی کلی در مراحل مختلف مبارزه «اصول استراتژیک» نامیده می‌شود. همچنین وحدت درازمدت با سایر گروهک‌ها در یک مقطع از مبارزه «وحدت استراتژیک» می‌گفتند؛ همچنین اگر با نیرویی از نظر خط‌مشی وحدت داشتند، می‌گفتند که با آن نیرو «وحدت استراتژی» داریم. به‌طور مثال بیان می‌شد که ما با گروه‌های مارکسیستی «وحدت استراتژیک» داریم. (پیمان: ۱۳۹۷: ۲۴)

فاز^۳ / فاز سیاسی / فاز نظامی

به مفهوم مرحله و دوره زمانی خاص اطلاق می‌گردد. منافقین دوره زمانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا ۳۰ خرداد سال ۶۰ را فاز سیاسی می‌نامند و پس از اعلام مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی ایران، فاز نظامی آغاز شد. (همان: ۳۷۵)

قیام^۴

در ادوار تاریخی منافقین واژه‌ی پرکاربرد است. در ابتدا سازمان منافقین از نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ به‌عنوان قیام استفاده می‌کردند و سپس از این واژه برای پیروزی انقلاب اسلامی استفاده کردند و پس از آغاز فاز نظامی در تقابل با جمهوری اسلامی به کاربردند. پس از دوم خرداد سال ۷۶، شرایط برای منافقین به نحوی بود که منافقین در شرایط نامناسبی قرار گرفتند؛ بنابراین لفظ قیام به‌صورت گسترده‌ای و به هر نوع حرکت محدود یا گسترده اجتماعی اطلاق گردید. به‌عنوان مثال، اعتراض محدود و صنفی بخش «نعمت‌آباد» و نیز شهرستان «پیرانشهر» و حتی واقعه ۱۸ تیر کوی دانشگاه، از سوی منافقین، عنوان قیام به خود گرفت. (همان: ۲۹۰)

- مدار^۵ / مدار تشکیلاتی^۶

رتبه و درجه تشکیلاتی. مدار، چرخه بسته که دارای خصوصیات یکسان بوده و فعل و انفعالات معینی در آن انجام می‌شود. مدار تشکیلاتی به مفهوم چرخه گردش یک کار تشکیلاتی یا عملی مربوط به تشکیلات، (مثل سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و...) که در آن نقطه معینی مبدأ و مبنا و نقطه پایان مشخصی دارد... (پیمان، ۱۳۹۷: ۳۲۹)

ساختار کنونی سازمان منافقین

پس از سقوط صدام (مهمترین حامی منافقین تا آن زمان) مدتی عراق تحت سیطره حکام نظامی و غیرنظامی آمریکایی قرار گرفت. اما برخلاف نظر اشغالگران، با تأکید مرجعیت بویژه آیت الله سیستانی تدوین قانون اساسی

¹ Strategic

² Strategy

³ Phase

⁴ Uprising

⁵ Orbit

⁶ Organizational orbit

جدید عراق و برگزاری انتخابات جهت تشکیل پارلمان و دولت منتخب در اولویت مردم، شخصیت‌ها و مسئولین این کشور قرار گرفت. به موجب بند ۲ ماده ۷ بخش اول قانون اساسی جدید عراق که مربوط به اصول اساسی قانون می‌باشد: عراق به مبارزه با انواع تروریسم پایبند است و سعی می‌کند از تبدیل خاک خود به مرکز، گذرگاه یا صحنه فعالیت‌های آن جلوگیری کند. همچنین در ماده ۸ همین بخش به صراحت اصول حسن همجواری تأکید شده است. در نبود دیکتاتور و بسته شدن محیط بازی اشغالگران آمریکایی ساختار گذشته منافقین نمی‌توانست ادامه داشته باشد. مطالبات مردمی جهت اخراج و محاکمه منافقین جنایتکار و صدور احکام در دادگاه‌های مختلف این کشور که منجر به تخلیه پادگان اشرف گردید آخرین میخ بر تابوت سازمان نظامی منافقین یا به اصلاح ارتش آزادی بخش آنها بود. در نهایت اخراج منافقین از عراق و اعلام خلع سلاح کامل آنها به منزله انهدام کامل بخش نظامی منافقین و عیان شدن شکست استراتژی‌های آنها می‌باشد. سازمان که روزگاری با تبلیغات گسترده دلیل پیوستن به دشمن در زمان جنگ را نیاز سازمان تشکیل شاخه نظامی در کنار شاخه سیاسی غرب نشین می‌دانست و ادعا می‌کرد برای پرواز به سوی آزادی نیازمند دوبرال قدرتمند سیاسی و نظامی هستیم، با دست خالی و سرشکسته با ذلت از عراق اخراج شدند. هرچند ورود رهبری سازمان از فرانسه به عراق بود اما بازگشت مجدد آنها نه به فرانسه و یا حتی یکی از کشورهای درجه ۲ اروپا بود بلکه تنها آلبانی با فشار و تطمیع و تهدید آمریکا پذیرای منافقین گردید. در حال حاضر فعالیت‌های سازمان در بخش‌های جاسوسی، جمع‌آوری اخبار از داخل ایران و عراق، عملیات روانی علیه ج.ا.ا و جبهه مقاومت، لابی‌گری و شوهای تبلیغاتی متمرکز می‌باشد. درحالی که بخش عمده افراد اعزامی به آلبانی با مشکلات متعددی روبرو می‌باشند، سران سازمان بویژه «مریم قجر عضدانلوی ابریشمچی رجوی» تحت نظارت سرویس‌های غربی در اروپا و آمریکا تبدیل به سخنگوی ائتلاف آمریکا، ارتجاع عرب و رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ا شده‌اند و هراز چندگاهی با طرح‌های خیالی و موهوم خویش درصدد مزدوری و دوشیدن گاو شیرده عربی - غربی می‌باشند تا چندصباح دیگری به حیات انگلوار خویش ادامه دهند.

در حال حاضر تمرکز نیروهای سازمان در آلبانی و شهر تیرانا می‌باشد. محل استقرار رده‌های بالای سازمان نیز در شهرک «اورسولواز» در حومه پاریس قرار دارد و دفاتر و خانه‌های تیمی سازمان در شهرهای مختلف اروپایی، کانادا، استرالیا و آمریکا نیز فعال می‌باشد. هرچند جای شکی پیرامون ارتباط منافقین با صهیونیست‌ها وجود ندارد اما سازمان از اعلام رسمی آن خودداری می‌نماید. حضور شخصیت‌های تندروی آمریکایی از قبیل جان بولتن و مک کین در کمپین‌ها و برنامه‌های سازمان و سخنرانی‌های آنها علیه ج.ا.ا نیز از نشانه‌های افزایش همگرایی سیاستمداران فعلی کاخ سفید با منافقین می‌باشد.

روش نگارش مقاله

تحقیق حاضر، پژوهشی نظری و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش توصیف عینی، واقعی و منظم عوامل راهبردی عدم فروپاشی سازمان منافقین (مجاهدین خلق ایران) پس از می‌باشد و سعی می‌شود. در واقع قلمرو این تحقیق را متن‌های مکتوب، شفاهی و تصویری درباره سوابق، اهداف، راهبردها،

اقدامات، روابط و... در خصوص عوامل مانایی سازمان مجاهدین خلق تشکیل می‌دهد. ابتدای قلمرو زمانی این تحقیق شروع تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۷ اسفند ۱۳۸۱^۱ در نظر گرفته شده است. در این مقطع محقق درصدد کشف و ارزیابی عوامل عدم فروپاشی سازمان مجاهدین می‌باشد. نظر به این که پیشنهادهای راهبردی مقابله با سازمان منافقین می‌تواند سال‌ها تداوم داشته باشد، در قلمرو تحقیق، مقطع زمانی تا سالیان طولانی پیش رو ادامه خواهد داشت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق منابع کتابخانه‌ای شامل، کتب، اسناد و مدارک مستند، متون معتبر تاریخی و علمی، رساله‌های دکتری، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، مقالات، پروژه‌های مطالعاتی، تحقیقاتی، مصاحبه، تئوری‌های مرتبط با تحقیق، داده‌های مرتبط با عنوان و موضوع این رساله، منابع اینترنتی و اسناد راهبردی نگارش شده موجود و قابل دسترس و... می‌باشند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

الف. بخش یافته‌های تحقیق

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرهای پژوهش شامل عوامل درون سازمانی، عوامل برون سازمانی، حمایت قدرت‌های بزرگ، عدم فروپاشی سازمان، بیش از نیم قرن تجربه مبارزاتی، منابع انسانی و مالی گسترده، ساختار و سازمان امنیتی پیچیده، بسته و فرقه‌گرایانه، مشی استالینستی رهبری سازمان، حمایت و اقبال آمریکا و سایر دولت‌های غربی به سازمان مجاهدین خلق ایران، راهبرد ایالات متحده در مدیریت گروه‌های تروریستی، عدم فروپاشی سازمان مجاهدین خلق ایران تشریح می‌گردد.

بیش از نیم قرن تجربه مبارزاتی

مؤسسان سازمان

محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و حسین نیک‌بین از دانشجویان دانشگاه تهران و از اعضای سرشناس انجمن‌های اسلامی بودند که در سال ۱۳۴۱ دانشکده را رها کردند و همراه تنی از همفکران خود، که در نهضت آزادی فعالیت می‌کردند، از عملکرد رهبران نهضت به خاطر سازش‌کاری و قاطعیت نداشتن در مواجهه با رژیم شاه انتقاد نمودند. پس از حوادث ۱۵ خرداد این افراد که دستگیر شده بودند آزاد گشتند و با جمع‌آوری همفکران خود، که در انجمن‌های اسلامی فعالیت می‌کردند، هسته اولیه این سازمان جدیدالتأسیس را به وجود آوردند. (روحانی، ۱۳۸۴، ۲۳)

مؤسسان دوم^۲

در پایان دوره‌ی نشست‌های حوض در سال ۱۳۷۴، اعضا موظف شدند تا تعهد کتبی ماندن در ارتش و فرم‌های ضوابط ارتش را مجدداً امضا کنند. به تعبیر مسعود رجوی همه اعضا، تشکیل‌دهنده ارتش به شکل جدید هستند و مؤسسان دوم ارتش محسوب می‌شوند.

^۱ برابر با ۱۹ مارس ۲۰۰۳ م

^۲ Second founders

- مؤسسان سوم^۱

در سال ۱۳۸۴ پس از برگزاری جلسه‌ای سیاسی و ایدئولوژیک به همگان اعلام کرد اکنون ۱۰ سال از جلسات نشست حوض و مؤسسان دوم گذشته و یکبار دیگر شما بایستی برگه‌های سوگند پر کرده و با سازمان و ارتش تجدیدعهد نمایید و به‌عنوان مؤسسان سوم تعهد مکتوب بدهید. اعضا موظف بودند مجدداً " برگه مکتوب تعهد ماندن در اشرف و سازمان بدهند.

- میلشیا^۲

در تشکیلات منافقین میلشیا به نیرو (چریک) نیمه وقت اطلاق می‌شد. میلشیا نیروهای آموزش دیده و سازماندهی شده ای بودند که قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در کارهای نظامی، تبلیغاتی و میتینگ شرکت میکردند و نیم هوقت بودن آنها یعنی در ضمن کار خود (مثل درس خواندن، کار در کارخانه و..). کار تشکیلاتی هم انجام می‌دادند. درحقیقت منافقین این واژه را در سال ۱۳۵۸ در مقابل واژه «بسیج» ابداع نمودند

- میلشاهای جدید^۳

از سال ۱۳۷۵ به بعد سازمان منافقین اقدام به جذب مجدد جوانان که اغلب از فرزندان کادر سازمان بودند، نمود. این افراد عمدتاً کودکانی بودند که در سال ۱۳۷۰ از عراق به اروپا فرستاده شده بودند و سازمان منافقین درصدد برگشت آنها به پادگان اشرف بود که در میان آنها حتی دختر مریم قجر عضدانلو و پسر مسعود رجوی حضور داشتند. (سنجایی، ۱۳۹۶: ۵۷۴)

نماد سازی و اسطوره سازی منافقین

در اول شهریور ۱۳۵۰، اساسی ترین ضربه بر پیکر سازمان از سوی ساواک با حمله به خانه‌های تیمی اعضا وارد شد. پس از ضربات دهه ۵۰ ساواک به سازمان که منجر به اعدام و کشته شدن بسیاری از اعضای اولیه و کادر مرکزی گردید این افراد در ادبیات مجاهدین خلق تبدیل به نماد مقاومت گردیدند و همواره از آنها به عنوان اسطوره‌های مقاومت یاد می‌گردد. از دیگر نمادهای مقاومت پس از پیروزی انقلاب موسی خیابان و اشرف ربیعی می‌باشند که در ضربه ۴ ۱۹ بهمن ۶۰ کشته شدند. سازمان همواره درصدد سوء استفاده از نام و سوابق مبارزاتی موسسین اول بوده است.

منابع انسانی و مالی گسترده

کادر حرفه ای، منابع انسانی گسترده و کارآمد

تعریف مجاهد خلق و شرایط عضویت در سازمان

۱- هر سازمان، حزب و تشکیلات انقلابی با سه چیز مشخص می‌شود:

1 Third founders

2 Militia

3 New milisha's

^۴ از مهم‌ترین ضربات سازمان منافقین پس از ورود به فاز مسلحانه است. در ۱۹ بهمن سال ۶۰ موسی خیابانی، اشرف ربیعی و تعدادی از کادرهای اصلی سازمان در خانه‌های تیمی به هلاک رسیدند.

الف-ایدئولوژی راهنمای عمل که تعیین‌کننده جهان‌بینی و سمت‌گیری تاریخی و طبقاتی آن است. (ریشه)

ب-تشکیلات و سازمان درونی کار که ظرف حیات و عامل برپایی آن است. (ساقه)

ج-خط‌مشی سیاسی و استراتژیک که تنظیم رابطه آن سازمان را با جامعه و قدرت حاکم بر آن مشخص

می‌کند و سازمان به این وسیله هدف‌های خود را گام‌به‌گام محقق می‌کند. (میوه)

۲-رابطه عضویت: رابطه ارگانیک = رابطه اندام واره با همان گروه خون و یا نبض و سلسله اعصاب و واکنش‌ها.

۳-در سلسله‌مراتب تشکیلاتی، عضویت کیفی‌ترین مرز است.

مجاهد خلق: عضو سازمان با ۷ خصوصیت مشخص می‌شود که هرکدام از این ۷ ویژگی را از دست بدهد عضویتش ساقط می‌شود:

یک. قبول آگاهانه و مختارانه ایدئولوژی اسلام و تشیع انقلابی (ضد استثمار و ضد {امام} خمینی {ره} و آخوندهای ارتجاعی) با پایبندی به شعائر.

دوم. انقلاب‌پذیری (ضد ایدئولوژی جنسیت و فردیت) با پایبندی به بندهای انقلاب درونی مجاهدین به‌ویژه هژمونی خواهران ذیصلاح مجاهد (شورای رهبری)

سوم. قبول آگاهانه استراتژی با پایبندی به ارتش آزادی‌بخش و سیاست‌های انقلابی (ضد شیخ و شاه = ضد استبداد و وابستگی)

چهارم. تشکیلات‌پذیری، انضباط آهنین، دستور‌پذیری تشکیلاتی، فرمان‌پذیری نظامی، قبول سانترالیزم (ضد لیبرالیزم و مسئولیت‌گریزی)

پنجم. انتقادپذیری، جهاد اکبر، مبارزه و قفنه‌ناپذیر ایدئولوژیک درونی، عملیات جاری با تضمین جمعی

ششم. شهادت‌پذیری

هفتم. حرفه‌ای بودن (تمام‌وقت)

منابع مالی گسترده

پس از حمله پلیس ضد تروریست فرانسه به بیش از ده مقر اعضای فرقه تروریستی مجاهدین خلق در نزدیکی پاریس رفته و دستگیری مریم رجوی به همراه ۱۶۵ نفر دیگر در روز سه‌شنبه ۲۷ خرداد ماه ۸۲ (۱۷ ژوئن ۲۰۰۳) به همراه کشف قریب به ۹ میلیون دلار از پایگاه اصلی سازمان در دهکده اورسوا، کشف گردید. اصلی‌ترین منبع درآمد منافقین تا پیش از حمله آمریکا عراق، دولت بعث صدام بود. منبع دیگر درآمد مالی سازمان، جمع‌آوری کمک مالی در کنار خیابان‌ها و یا مراجعه به افراد پولدار و خیرخواه در سطح اروپا و آمریکا است سازمان مجاهدین خلق سال‌ها در پوشش انجمن‌های خیریه و به ادعای کمک به فقرا در ایران به جمع‌آوری پول در کشورهای اروپایی اشتغال داشته و مبالغ قابل توجهی از این طریق بدست آورده است. پس از رویداد ۱۱ سپتامبر و زیر نظر گرفتن شدید

تر نقل و انتقال پول در کشورهای غربی کمیسیون نظارت بر خیریه‌های انگلیس^۱ پس از یکسال تحقیقات دستور بستن این خیریه و حسابهای آن را صادر کرد.

علاوه بر کمک حامیان خارجی، گزارش‌های بسیاری از پولشویی، قاچاق و اخاذی منافقین منتشر شده است. در حال حاضر به نظر می‌رسد عربستان سعودی کمک‌های گسترده‌ای را در اختیار منافقین قرار داده است. دفاتر متعدد در کشورهای غربی، شبکه‌های ماهواره ایو برپایی همایش‌های گسترده در اروپا نشان دهنده توان مالی این گروهک می‌باشد.

ارتش آزادی‌بخش ملی ایران^۲

عنوان تشکیلات نظامی منافقین در عراق؛ که با کمک‌های مالی و تسلیحاتی دولت بعثی به وجود آمد. در بهار ۱۳۶۶ پس از چند جمع‌بندی، زمینه برای تدارک و اعلام تشکیل چنین ارگانی فراهم شد. در ۳۰ خرداد ۶۶، رجوی تشکیل ارتش آزادی‌بخش را اعلام نمود. رجوی در بخشی از اعلامیه خود نوشت: «ارتش آزادی‌بخش ملی قبل از هر چیز وظیفه دارد به منظور درهم شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام عمومی، با اهرم‌ها و دستگاه سرکوبگر و جنگ‌افروز دشمن، جنگ در چنگ شده و با نبرد تمام‌عیار آن‌ها را بشکافد و از هم بپاشد و به پیش برود...»

اصول سازمانی^۳

منافقین، ضوابط و اصول حاکم بر یک سازمان انقلابی را تحت عنوان اصول سازمانی یا اصول حاکم بر یک تشکیلات یا سازمان انقلابی مطرح کرده آموزش می‌دادند. هفت اصل مزبور بدین قرار است:

۱. وحدت فرد و مسئولیت؛
۲. مرکزیت دموکراتیک؛
۳. انتقاد و انتقاد از خود؛
۴. انضباط آهنین؛
۵. رهبری جمعی؛
۶. اعتماد برادرانه؛
۷. ضرورت وجود انقلابیون حرفه‌ای. (همان: ۲۸)

عوامل برون سازمانی

۱. وجود فضای مسموم ایران هراسی در منطقه و جهان
۲. وجود مشکلات و برخی نارضایتی‌های اجتماعی در داخل کشور
۳. جذاب بودن جاسوسی و کسب اطلاعات از داخل کشور و اعضای محور مقاومت بویژه عراق برای سرویس‌های اطلاعاتی دشمن بویژه رژیم صهیونیستی و آمریکا

^۱ Charity Commission for England and Wales

^۲ National liberation army of Iran

^۳ Organizational principles

۴. وجود درگیری‌های قومی و مذهبی در ایران و عراق و منطقه غرب آسیا

تشکیل ائتلاف‌های ضد ایرانی توسط آمریکا علیه ایران

۵. عدم محدودیت سازمان در تغییر روش و اهداف (سازمان التقاطی)

۶. حمایت و اقبال آمریکا و سایر دولت‌های غربی به سازمان مجاهدین خلق ایران

در واشنگتن، این گروه توانسته است با سیاستمداران پرنفوذ آمریکایی ارتباط برقرار کند. حتی واشنگتن تایمز که وابسته به طیف راست افراطی به شمار می‌رود، در گزارشی ویژه از این گروه با عنوان "منادیان آزادی برای ایران" یاد کرد. در این گزارش افرادی مثل نانسی پلوسی (رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا)، ترکی بن فیصل (رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی عربستان) و جان مک‌کین (رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا) به تقدیر از این گروهک تروریستی پرداخته بودند.

ب. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اهداف راهبردی آمریکا در حمایت از سازمان منافقین

۱. گسترش هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا

پس از شکست روش‌های اقدام مستقیم، جنگ شهری و ترورهای کور در صدد بحران‌سازی مستمر و تلاش جهت برپایی اعتراضات سراسری، اغتشاش و تبدیل آن به شورش و سپس ائتلاف‌سازی و جنگ‌های نیابتی علیه ج.ا.ا می‌باشد. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که سابقاً ترور هزاران نفر از مردم شریف ایران را در کارنامه خویش دارد با بیش از ۱۰ سال سابقه تشکیلاتی، امنیتی و نظامی خطرناک‌ترین اپوزسیون ج.ا.ا می‌باشد.

۲. مقابله با انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت

- عراق
- سوریه
- یمن
- پرونده هسته‌ای ج.ا.ا
- فتنه ۸۸
- اغتشاشات دی ماه ۱۳۹۶
- اعتراضات تابستان ۱۳۹۷

۳. تأمین امنیت رژیم صهیونیستی

افزایش نفوذ ج.ا.ا در منطقه بویژه لبنان و فلسطین، گردان‌های جهادی و شکست طرح‌های سازش اعراب و اسرائیل

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، حاکی از این است که ترکیبی از عوامل درون سازمانی و برون سازمانی، سازه کار بازتولید و ترمیمی سازمان، برای بقا در شرایط سخت و حمایت‌های قدرت‌های بزرگ خارجی به منظور بهره‌برداری ابزاری

از سازمان موجب عدم فروپاشی سازمان منافقین شده است. «سازمان منافقین با تعریف دو محیط داخل و خارج کشور اقدام به ایجاد شبکه داخلی و خارجی نموده است. ساختار داخلی این شبکه‌ها به صورت عمودی تعریف شده است و در صورت انهدام سایر اجزاء سازمان از آسیب در امان می‌باشند. همچنین سازمان با الگوی حیات انگل وار در مواجهه با تهدید و بروز آسیب با تغییر محیط و حذف مخالفین درون سازمانی اقدام به ترمیم خویش نموده و با استفاده از شرایط محیط بزرگتر به بقاء ادامه می‌دهد. منافقین با معرفی خویش به عنوان نیروی پیشتاز و آلترناتیو ج.ا.ا، به عنوان ستون پنجم و یگان عملیاتی دشمن درصدد کسب حداکثر حمایت و پشتیبانی از دشمنان ایران می‌باشد. از سوی دیگر راهبرد آمریکا در مدیریت گروه‌های تروریستی در جهان و تعارض منافع راهبردی موجود با ج.ا.ا باعث ایجاد چتر حمایتی آمریکا گرداگرد این گروه تروریستی شده است.»

انعطاف پذیری سازمانی و ایدئولوژیک منافقین بدون هیچ گونه خط قرمز و ایجاد محیط‌های امن، خارج از دایره تهدیدات و مزدوری برای قدرت‌های مخالف ایران و سیاست خارجه آمریکا در مدیریت گروه‌های تروریستی، مقاومت سازمان را در برابر بحران‌ها و ضربات مختلف افزایش داده است.»

به تعبیر دیگر هدف آمریکا استفاده ابزاری از منافقین در جهت مقابله با نفوذ روزافزون ج.ا.ا در منطقه می‌باشد. سایر اهداف آمریکایی‌ها عبارتند از: مقابله با انقلاب اسلامی، مقابله با کشورهای محور مقاومت اسلامی، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، دستیابی آسان به منابع انرژی منطقه غرب آسیا، گسترش هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا. سازمان منافقین نیز با طراحی اهداف و زمین بازی مشترک با جبهه استکبار در تلاش است خود را آلترناتیو ج.ا.ا معرفی نماید. راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال گروه‌های تروریستی منطقه غرب آسیا، براساس چهارچوب نظری آشوب سازنده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این راهبرد از دوره بوش (پسر) و از سوی کاندولیزا رایس، وزیر خارجه سابق آمریکا، به منظور اجرای طرح «خاورمیانه بزرگ» مطرح شد. در واقع تئوری «آشوب سازنده» رهنامه اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای آمریکا در منطقه غرب آسیاست. در حقیقت، این تئوری تأییدی بر وجود یک رهنامه نظامی برای منطقه غرب آسیا به ابتکار انگلیس، آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. این پروژه که سال‌ها در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی قرار داشت، عبارتند از: ایجاد هلالی از بی‌ثباتی، هرج و مرج و ناآرامی که از لبنان، فلسطین و سوریه آغاز شده و تا عراق، ایران و مرزهای افغانستان ادامه خواهد داشت؛ منطقه‌ای که «هلال شیعی» یا «محور مقاومت» نامگذاری شده است. بدون تردید، حمایت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن باعث شده است تا سازمان منافقین، از حالت احتضار خارج گردد و با مزدوری به حیات خویش ادامه دهد.

منابع

آقا بخشی، علی، (۱۳۷۶) "فرهنگ علوم سیاسی"، نوشته علی آقا بخشی با همکاری مینو افشاری راد، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

افتخاری اصغر، تحلیل انتقادی امنیت، مقاله درآمدی بر روش شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی، مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۸۱ - شماره

سنجایی مریم، سراب آزادی، انجن پیشکسوتان سپاس، ۱۳۹۷؛

روحانی حسین احمدی، سازمان مجاهدین خلق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴؛

کریمی حمیدرضا، سازمان مجاهدین خلق و مواضع آنها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴؛

فوزی یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران بعد از انقلاب، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۵ (دو جلد)؛

بیانات مقام معظم رهبری، مراسم بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶/۰۳/۱۴؛

بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۲.

جی بدی، توماس، تعریف تروریسم بین‌الملل؛ نگرش علمی، ترجمه رضا میر طاهر، تهران فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷، شماره ۵ و

۶

دیلمی معزی، امین، (۱۳۸۷) "روندهای کلان نظام بین‌الملل در آغاز هزاره سوم"، تهران: ره‌آورد سیاسی، شماره ۲۰

شیرازی، علی (۱۳۸۰) مفهوم تروریسم در کلام رسای رهبری، قم، مؤسسه فرهنگی خادم الرضا (ع)،

عباسی، مهدی (۱۳۸۳)، "اینترنت؛ ابزار سیاست (تروریسم مجازی؛ تهدیدی برای آینده)"، تهران: نشریه فرهنگی و فناوری، سال اول،

شماره سوم، دی و بهمن

عباسی، مجید (۱۳۸۸). "راهبردهای بی‌فرجام" فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان

شمس حائری، ارتجاع مغلوب

فتنه ۶۰، گذری بر پرونده منافقین ۱۳۶۵-۱۳۶۰، موسسه راهبردی دیده بان، بی نام؛

سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تافرجم ۱۳۴۴-۱۳۸۴، تهران، انتشارات: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی؛

ریشه یابی پیدایش و تحولات بعدی سازمان مجاهدین خلق - سعید شاهسوندی

رجوی مسعود، کتاب آموزش ایدیولوژیک؛

شعبانی ناصر (۱۳۹۶)، بن بست در استراتژی؛ شکست در تاکتیک، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)؛